

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

منشور

«مرجعیت علمی قرآن کریم»

قطب تعمیق ایمان دینی
میز توسعه و تعمیق فرهنگ قرآنی
کارگروه مرجعیت علمی قرآن کریم

(پاییز ۱۳۹۹)

مقدمه

خدای تعالی قرآن کریم را به عنوان کتابی جامع، جاودان و آخرین مرجع معرفتی و هدایتی بشر در همه عرصه‌های زندگی بر پیامبر اعظم (ص) نازل کرد و خود محافظت از آن را برعهده گرفت و رسول گرامی اسلام (ص) تمسک جستن به قرآن و عترت را تنها راه گریز از گمراهی اعلان کرد. بی تردید مرجعیت علمی، یکی از ابعاد اساسی تمسک جستن معرفتی و عملی به قرآن کریم است. منشور حاضر بر آن است که قرآن کریم باید در همه دانش‌ها و کنش‌های کلان بشری به عنوان راهنمای اساسی و میزان سنجش حقیقت به کار آید و در کنار سایر منابع معرفتی، به عنوان مهم‌ترین مصدر معرفت در میدان تولید دانش نگریسته شود؛ اما به دلایل بسیار، نه تنها قرآن کریم در علوم انسانی، جایگاه مرجعیتی ندارد، بلکه در علوم اسلامی نیز آن‌گونه که باید از قرآن کریم بهره‌برداری نشده است.

نوع نگرش حاکم بر فعالیت‌های علمی و شیوه تعامل آن با عرصه‌های انسانی موجب شده است که در کنار دستاوردهای مثبت برای بشر، پیامدهای منفی و آثار زیان‌باری نیز به همراه داشته باشد. پیشرفت علم از سویی سطح زندگی بشر را بسیار بالا برده و از سوی دیگر، به جهت تفکر حاکم بر آن، آثار نامطلوب فراوانی برجای گذاشته است. هم‌چنین از آن‌جا که نگرش حاکم بر علم در دوران معاصر تنها جنبه مادی‌گرایانه دارد، رشد بشر بیشتر در جنبه‌های مادی بوده و جهات روحی و معنوی وی به انحطاط گراییده است. علم مدرن، سطوح بالاتر هستی را نادیده می‌گیرد؛ بر نفی جهان فراطبیعت و معرفت‌های وحیانی اصرار می‌ورزد؛ به دغدغه‌های بنیادین و معنوی انسان ارج نمی‌نهد؛ از به‌کارگیری باورها و ارزش‌های اخلاقی در فعالیت‌های علمی امتناع می‌ورزد؛ و نسبت به آثار تخریبی نگاه انحصاری خود، بی‌تفاوت است. همه این‌ها نشان‌دهنده آن است که بازگشت علوم به دین، ضروری است و از آن‌جا که اسلام دین حق و قرآن کریم منبع اصلی آن است، ضرورت بازگشت به قرآن کریم در همه علوم آشکار می‌شود.

مراد از علم در این منشور هر نوع دانش ساخت‌یافته‌ای است که مجموعه‌ای از مبانی، نظریه‌ها، مسائل و گزاره‌ها را پوشش داده و میان آن‌ها به صورتی منسجم و روشمند پیوند برقرار است. این تعریف از علم، همه علوم بشری، اعم از علوم انسانی و طبیعی را شامل می‌شود و هم علوم اسلامی مانند فقه، کلام و اخلاق را در برمی‌گیرد. هر چند در گام نخست علوم طبیعی در اولویت این منشور نبوده و تأکید بر علوم انسانی و اسلامی است. بر این اساس، ضروری است که نهادهای علمی و فرهنگی کشور، مرجعیت علمی قرآن کریم را رسالت اساسی خود دانسته و برای تحقق آن، منشور راهبردی مرجعیت علمی قرآن کریم را به شرح زیر، مبنای راهبری، ستادی و اجرایی قرار دهند.

اهداف

۱. فراهم آوردن زیرساخت‌های علمی جهت تحقق مرجعیت علمی قرآن کریم؛
۲. نهادینه‌شدن مرجعیت قرآن کریم در محتوای علوم و فرآیند تولید علم؛
۳. ابتنای نظام‌های کلان و خرد معرفتی و اجتماعی بر معارف قرآن کریم؛
۴. دستیابی به روش نظام‌یافته در مراجعه و بهره‌گیری از قرآن کریم در علوم؛
۵. زمینه‌سازی و فرهنگ‌سازی در جهت اتکالی عالمانه کنش‌گران فرهنگی اجتماعی به قرآن کریم.

سیاست‌ها

۱. اولویت‌بخشی به آموزه‌های اهل‌بیت در مطالعات علمی قرآن کریم؛
۲. پیش‌برد رویکرد تمدنی در مطالعات و برنامه‌های مرجعیت علمی قرآن کریم؛
۳. رویکرد سامان‌مند و نظام‌واره به فهم آموزه‌های قرآن کریم؛
۴. اتقان استناد و ضابطه‌مندی مطالعات مرجعیت علمی قرآن کریم؛
۵. زمینه‌سازی جهت هم‌افزایی مراکز علمی حوزوی و دانشگاهی در تحقق مرجعیت علمی قرآن کریم؛
۶. گسترش مرجعیت علمی قرآن کریم به عرصه‌های پژوهشی، آموزشی و ترویجی علوم.

مفاهیم کلیدی

مرجعیت

مرجعیت به معنای مورد رجوع و محلّ مراجعه دیگران است و در اصطلاح به معانی مختلفی مانند: جامعیت، اصالت، محوریت، اولیت، اولویت، مهیمن، معیار و منبعیت بودن قرآن؛ بکار رفته است.

علم

مراد از «علم» در عنوان مرجعیت علمی قرآن کریم، دانش‌های سازمان‌یافته و روشمند در قالب رشته‌های گوناگون است. این دانش‌ها، شامل کلیه دانش‌های اسلامی، انسانی و طبیعی می‌شود جز آن‌که تمرکز سند مرجعیت علمی قرآن کریم بر علوم اسلامی (مانند فقه، کلام و ...) و علوم انسانی (مانند تربیت، سیاست، اقتصاد، حقوق، مدیریت، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و ...) است.

قرآن کریم

قرآن کریم کتاب آسمانی و منبع اصلی و اساسی مسلمانان است که به عربی مبین، از جانب خداوند بر پیامبر اسلام (ص) به صورت دفعی و تدریجی در مدت ۲۳ سال نازل شده و آن حضرت همه آیات را بر

مردم خواننده و کاتبان وحی، آن را با دقت نوشته‌اند و بسیاری از اصحاب آن را حفظ نموده و به تواتر نقل کرده‌اند. معارف و تشریحات قرآن کریم، اعم از معارف مربوط به زندگی فردی، اجتماعی، دنیوی و اخروی در جهت هدایت انسان به کمال نهایی، از جامعیت برخوردار است.

مرجعیت علمی قرآن کریم

مراد از مرجعیت علمی قرآن کریم، «اثرگذاری معنادار قرآن کریم بر دانش‌های ساخت یافته» است. این اثرگذاری به گونه‌های مختلف و در عرصه‌های گوناگون دانشی، جاری است. البته این اثرگذاری لزوماً به معنای تأثیر مستقیم در همه ابعاد علوم نیست.

مبانی و پیش فرض‌ها

۱. جامعیت قرآن کریم؛
۲. جاودانگی قرآن کریم؛
۳. پاسخ‌گوبودن قرآن کریم به نیازهای اساسی انسان و جامعه معاصر؛
۴. جدایی‌ناپذیری قرآن و اهل بیت (ع) به عنوان مفسران واقعی از قرآن کریم؛
۵. پذیرش عقل به عنوان منبع شناخت در بهره‌گیری از قرآن کریم؛
۶. بهره‌گیری از تجربه بشری و روش‌های علمی در تولید دانش‌های بشری و تبیین معارف قرآن.
۷. نظام مندی مفاهیم و معارف قرآن کریم؛

عرصه‌های مرجعیت

عرصه‌های مرجعیت علمی قرآن کریم بر اساس طبقه‌بندی رایج علوم، شامل سه دسته از علوم می‌شود.

۱. علوم اسلامی

علوم اسلامی ناظر به دانش‌هایی است که بر اساس منابع اسلامی و در بستر تمدن، فرهنگ و حوزه‌های گوناگون اسلامی تدوین شده است. مانند: علم فقه، علم کلام، علم اخلاق و

۲. علوم انسانی

مراد از علوم انسانی، هر علم ساخت یافته بشری است که بر محور ساحت‌های وجودی انسان و برای کشف بُعدی از ابعاد حیات انسانی تولید شده و امروزه آن را از علوم انسانی به شمار می‌آورند.

۳. علوم طبیعی

علوم طبیعی دانش‌هایی هستند که موضوع آن‌ها بررسی ویژگی‌های فیزیکی پدیده‌های طبیعی مبتنی بر شواهد تجربی ناشی از مشاهده و آزمایش است. در علوم طبیعی دانشمندان می‌کوشند تا پدیده‌های طبیعی را با روش علمی و بر اساس فرآیندهای طبیعی (و نه الهی یا عرفانی و مانند آن) توضیح دهند..

قلمرو مرجعیت علمی قرآن کریم

مطالعات علمی نسبت به هر یک از دانش‌های ساخت‌یافته شامل مباحث برون‌علمی و درون‌علمی می‌باشد. بر این اساس، قلمرو مرجعیت علمی قرآن کریم عبارت است از:

۱. فراعلم و برون‌علم

هر علمی دارای مباحث پایه‌ای و پیش‌فرض‌هایی است که در خود آن علم مورد بررسی قرار نمی‌گیرند و از مباحث فراعلم، برون‌علم یا پیش‌علم به شمار می‌آیند و شامل مبانی، اصول موضوعه، مبادی تصویری و تصدیقی علوم است. مفاهیم فراعلمی اموری هم‌چون تعریف جهان، انسان و جامعه، چیستی هویت انسان و ابعاد وجودی آن، روش دستیابی به گزاره‌های علمی و تحلیل آن‌ها، شیوه‌های راهبری و مدیریت علوم و فرآیندهای تولید دانش را، دربرمی‌گیرد. بر این اساس، مباحث فراعلمی عبارت است از:

مبانی و اصول موضوعه علوم: هر دانش ساخت‌یافته، به دسته‌ای از مبانی، اصول پایه و مفاهیم کلان تکیه دارد که به منزله چارچوب آن علم به شمار می‌آیند و بر اجزا و ابعاد آن دانش به صورت غیرمستقیم تأثیر می‌گذارند. جامعه علمی این مفاهیم را اموری مفروض و مسلم گرفته و در متن دانش‌ها مورد بررسی قرار نمی‌گیرد. مرجعیت قرآن کریم در این مبانی، اصول پایه و مفاهیم کلان، به معنای سنجش مبانی و مفاهیم دانش‌های موجود از منظر قرآن کریم و پیشنهاد اصول و مبانی جدید برای تحوّل در دانش‌ها است.

روش‌شناسی: مراد از مرجعیت علمی قرآن در روش‌شناسی، ارزیابی روش‌های گوناگون علوم مختلف از منظر قرآن کریم است و یا ارائه روش‌ها، قواعد و رویکردهای روش‌شناختی نوین است.

راهبری و مدیریت علوم: اثرگذاری قرآن کریم بر سیاست‌گذاری و فرآیندهای تولید علم از طریق راه‌کارهایی چون فرهنگ‌سازی و جریان‌سازی، آینده‌پژوهی، طبقه‌بندی، کاربست و تشکیل نظام‌های پشتیبان صورت می‌پذیرد.

۲. درون‌علمی

مطالعات درون‌علمی، ناظر بر بخش‌های درون هر یک از دانش‌هاست که شامل پنج بخش می‌شود:

مفروضات و اصول پایه دانش: مفروضات و اصول پایه، مجموعه‌ای از مفاهیم و گزاره‌های مربوط به دانشی خاص است که پایه‌های اساسی آن را شکل می‌دهد. موضوع، قلمرو و رویکردهای اساسی هر علمی، تا اندازه بسیاری به این اصول پایه بازمی‌گردد.

قواعد و اصول علم: منظور از قواعد و اصول علم، مجموعه‌ای از قضایای عام است که هرچند از جنس گزاره‌ها و مسائل علم به شمار می‌آیند، ولی به دلیل عمومیت موضوع و حکم، در کل یا بخشی از دانش، جاری می‌شوند. مانند قواعد فقه، قواعد کلام و ... از این قواعد با عنوان «قوانین» نیز یاد می‌شود.

فرضیه‌ها و نظریه‌ها: فرضیه، توضیح پیشنهادی برای پدیده یا رخداد خاص و قابل‌آزمون و یا پایه و نخستین راه حل پژوهش برای حل هر یک از مسائل علوم است و نظریه، دیدگاه حاصل از فرضیه‌ها است که بر پایه قواعد و قوانین کلی دانش شکل می‌گیرد و پس از آزمون‌یافتگی، تعمیم‌پذیر می‌شوند. با این معنا، قرآن کریم دانشمندان را در ساختار و محتوای فرضیه‌ها و نظریه‌ها، در حوزه علوم اسلامی و انسانی یاری می‌رساند.

گزاره‌ها و مسائل علم: گزاره‌های علمی، سنگ بنای استدلال و تعیین‌کننده مسئله تحقیق است و محقق را در بررسی پژوهش، هدایت می‌کند. مسئله علمی موقعیتی است که محقق در آن با اشراف بر وضعیت فعلی، وضعیت مطلوب را پی‌جویی می‌کند، ولی راه و روش عبور از وضعیت فعلی به وضعیت مطلوب در آن روشن نیست. قرآن کریم نه تنها با پیش‌نهادن مسئله‌های علمی به توسعه و تعمیق دانش‌ها کمک می‌کند، بلکه با ارائه زمینه‌های حل مسائل، دانشمندان را به تولید گزاره‌های علمی راهنمایی می‌کند.

مدل‌ها و الگوها: مدل‌ها یا الگوها در علوم، حاصل مجموعه‌ای از گزاره‌ها و نظریه‌ها است که بر پایه قواعد کلی و در یک نظم درونی، عرصه‌ای از قلمرو دانش را در یک سامانه واحد به تصویر می‌کشد. مراد از مرجعیت قرآن در الگوها و مدل‌ها آن است که علوم با بهره‌گیری از دستاوردهای خود، الگوها را بر اساس ساختارها و سازه‌های قرآن تعریف کنند.

گونه‌های اثرگذاری قرآن کریم

با پذیرش این نظریه که قرآن کریم در عرصه‌ها و قلمرو علوم، مرجعیت دارد، باید به این پرسش پاسخ داده شود که گونه‌های اثرگذاری قرآن در عرصه‌های پیش‌گفته علوم چیست؛ چراکه همه این اثرگذاری‌ها یکسان نیست و در هر یک از محورهای یادشده باید گونه‌های تأثیر قرآن مشخص گردد و برای هر یک از گونه‌ها روش‌شناسی خاصی تعریف شود. گونه‌های مرجعیت علمی قرآن کریم به شرح زیر است:

۱. اثرگذاری استنباطی (مرجعیت به منزله منبع)

مرجعیت استنباطی به این معنا است که مبانی، محتوا، روش، اصول و یا مسائل علم به طور مستقیم از قرآن استنباط شود. تولید علم قرآنی مراحل و مراتبی دارد و نخستین مرتبه‌اش مراجعه مستقیم به قرآن برای استخراج گزاره‌ها و شبکه معنایی موضوع مورد نظر است. از این رو، یکی از ساحت‌های مرجعیت قرآن کریم مراجعه به قرآن و بهره‌مندی مستقیم از درون‌مایه‌های آن از طریق تفسیر، اجتهاد و استنباط است. پس منبعیت قرآن به این معنا است که مباحث علمی اعم از برون‌علمی - درون‌علمی، به طور مستقیم از درون متن قرآن کریم استخراج شود.

۲. اثرگذاری استلهامی (مرجعیت به منزله الهام‌بخشی)

اثرگذاری استلهامی قرآن کریم به این معنا است که درباره مسئله و یا گزاره علمی مورد نظر، مضمون و مفاد مستقیمی به طور عینی و اجتهادی در قرآن نیست؛ اما می‌توان از مجموع مفاد آیاتی از قرآن که شامل معارف، مواعظ، احکام، قصص و توصیفات که درباره آن مسئله است، دیدگاه خاص قرآن را الهام گرفت. روشن است که در منطق استلهام، میان آنچه ما می‌فهمیم و آنچه در متن قرآن کریم است، دلالت مطابقی، تضمینی و استلزام قطعی وجود ندارد، بلکه برداشتی فراتر از دلالت لفظی در حوزه فهم است که نیازمند تدوین شیوه و روش خاص خود است.

۳. اثرگذاری استکمالی (مرجعیت به منزله کمال‌بخشی)

اثرگذاری استکمالی قرآن کریم، به معنای کمال‌بخشیدن و تکمیل کردن نظریه‌ها و ایده‌های علمی بشری است. بر این اساس، ایده‌ها و نظریه‌های علمی مبتنی بر فهم و عقل بشری، با کمک فهم قرآنی، ارتقا و کمال یافته و ابعادی نو برای عقل آشکار می‌گردد که بدون مراجعه به قرآن فهمیده نمی‌شود. در این جا به طور مستقل، مطلبی از قرآن استخراج نشده است، بلکه قرآن کریم نظریه و یا ایده‌ای را عمق بخشیده و توسعه می‌دهد.

۴. اثرگذاری حکمیتی (مرجعیت به منزله میزان)

منظور از اثرگذاری حکمیتی قرآن، تأیید یا رد ایده یا نظریه علمی است؛ به این معنا که گاهی یک قاعده یا نظریه و یا یک گزاره علمی به قرآن کریم عرضه می‌شود و پس از بررسی روشن می‌گردد که قرآن کریم با مضمون آن موافق است، و یا به کلی آن را رد می‌کند و یا تنها ابعادی از آن را مورد تأیید یا رد قرار می‌دهد. بنابراین، منظور از میزان بودن قرآن کریم به گونه حکمیت، همواره رد و یا تأیید کامل نیست، بلکه با مقایسه و داوری قرآن کریم معلوم می‌شود که کدام نظر به واقع نزدیک‌تر است و نسبت به نظریه دیگر برتری دارد.

۵. اثرگذاری نگرشی و بینشی (مرجعیت به منزله تعیین کننده و تغییردهنده نگرش یا بینش)

اثرگذاری نگرشی و بینشی به معنای تصرف قرآن کریم در پس زمینه‌های معرفت بشری نسبت به انسان و جهان است. با تغییر بینش و نگرش انسان، نگاه او به مبانی و روش‌های بررسی پدیده‌ها و قضایا نیز تغییر می‌کند. بررسی تاریخ علم نشان می‌دهد که تحوّل‌های اساسی در دانش از مسیر این تغییر اتفاق می‌افتد. و با تحوّل در نگاه انسان به دنیا و انسان، فلسفه، علم و عرصه‌های مدیریت و فن‌آوری نیز، دست‌خوش تغییر و دگرگونی می‌گردد.